

تحلیل نقش فلسفه برای کودکان: برگرفته از داستانهای کشف هری استاتلمایر و پیکسی لیپمن

معصومه خنکدار طارسی^۱

استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

سیده سپیده هاشمی

دانشجوی کارشناسی ارشد، تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

چکیده

هدف از این پژوهش، تحلیل نقش فلسفه برای کودکان: برگرفته از داستانهای کشف هری استاتلمایر و پیکسی متیو لیپمن می باشد. در این پژوهش از روش کیفی و تحلیل تماتیک استفاده شده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده های پژوهش از طریق بررسی مطالعه منابع کتابخانه ای (کتابهای: کشف هری استاتلمایر، پیکسی) می باشد. نتایج پژوهش نشان داد که لیپمن با نگارش رمان های فلسفی کشف هری استاتلمایر و پیکسی برای دانش آموزان، اصول تفکر منطقی را تشریح نمود که سبب افزایش توانایی گروه کنترل در قضاوت های منطقی می شود. اثربخشی داستانها در مواردی از جمله: ۱-پرورش تفکر انتقادی با تاکید بر تبدیل کلاس درس به جامعه پژوهشی که در آن کودکان یاد می گیرند استدلال کنند، شواهد را ارزیابی کنند و پیش فرض ها را به چالش بکشند. در نتیجه سبب افزایش توانایی کودکان در تشخیص مغالطات، تحلیل دلایل و ارائه استدلال های معتبر می شود. ۲-گفتگوی فلسفی در حلقه کندوکاو که کودکان در آن به دیدگاه های یکدیگر احترام گذاشته و مفاهیم اخلاقی را کشف می کنند. در نتیجه سبب بهبود مهارت های ارتباطی، توانایی همکاری و درک چند وجهی می شود. ۳-مباحث معرفت شناسی که کودکان به دنبال پاسخ به سؤالاتی مانند «چه چیزی برای حقیقت مهم است؟» و «رابطه بین حقیقت و معنا چیست؟» ۴-مباحث زیبایی شناختی که شامل مشارکت دادن کودکان در مطالعه مسائل مشکل سازی که شامل رابطه بین خلاقیت هنری، درک زیبایی شناختی و نقد زیبایی شناختی می شود. ۵- مباحث متافیزیک که شامل تشویق کودکان به دستیابی به کلیت بیشتر در درک خود از جهان و نحوه عملکرد آن می شود. ۶- مباحث منطقی که سبب تشویق کودکان به تأمل در مورد قوانین تحقیق و هر اصولی که هنگام تفکر در مورد تفکر به آن روی می آورند، می شود. ۷- مباحث اخلاقی که شامل مشارکت دادن کودکان در تحقیق در مورد مسئله نقش ارزش ها و هنجارهای اخلاقی در رفتار انسان می باشد. در نتیجه سبب کاهش رفتارهای خودمحورانه و رشد همدلی، انصاف و مسئولیت پذیری شده و کودکان را در ارائه راه حل های نوآورانه برای دوراهی های اخلاقی توانا می سازد.

واژگان کلیدی: تحلیل، فلسفه کودکان، داستان، کشف هری استاتلمایر، پیکسی، لیپمن

^۱ نویسنده مسئول: khonakdar@uma.ac.ir

مقدمه

یکی از مهمترین اهداف در تمامی جوامع، تعلیم و تربیت است. بنابراین، تربیت انسانهای هشیار و آگاه، از اهداف هر نظام آموزشی است و تحقق چنین هدفی در برنامه های درسی لازم و ضروری است. در نظام آموزش و پرورش فعلی، رشد روز افزون نظام آموزش محور و زیاده روی در حذف فلسفه به بهانه ناتوانی کودکان در تفکر انتزاعی، کودکان را به سمتی سوق داده است که تنها با حفظ تجارب و نظریات علمی دیگران دست و پنجه نرم کنند. یکی از موفق ترین تلاش ها در جهت ایجاد برنامه ای منسجم در آموزش تفکر، برنامه فلسفه برای کودکان است که توسط ماتیو لیپمن تهیه شده است. فلسفه برای کودکان معتقد است که با فلسفه می توان دنیایی شاد، سرحال، کنجکاوانه و خلاق به کودکان عرضه داشت. کودکان از طریق گفتگو با یکدیگر، به ایده ها و سؤالات تازه می رسند. این همان چیزی است که سقراط طرح کرده بود و بشر مدت ها از آن غفلت کرده است (فیشتر، ۱۳۸۵). فلسفه به کودکان برنامه ای است که کودکان مدرسه ای را در تمام مباحث کلاسی مشارکت می دهد. هدف اساسی از طرح مباحث فلسفه به کودکان، پرورش فضایی مانند توجه، تمرکز، همکاری، صداقت، استدلال، تجسم و کاوش است (همان). به اعتقاد لیپمن، نباید به کودکان گفت که چه چیزی درست یا غلط است، بلکه باید از طریق گفتگوهای اکتشافی و اجتماع پژوهشی به نتیجه برسند. لذا از طریق این برنامه، امکان برقراری ارتباط و مسئولیت پذیری اجتماعی در آنان افزایش پیدا می کند (چراغ زاده، ۱۳۹۸). این فلسفه بر این ایده مبتنی است که کودکان، دانش، قابلیت ها و توانایی استدلال خود را از اجتماع کسب می کنند و این توانایی را پیدا می کنند که در برخورد با مسائل شقوق مختلف را بررسی کنند (قائدی، ۱۳۸۳: ۲۳). امروزه جای خالی فلسفه در نظام آموزشی به شدت احساس می شود و عواقب آن در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی قابل مشاهده است که این جای خالی را می توان در چندین ابعاد بررسی کرد: کمبود تفکر انتقادی: سیستم آموزشی اغلب بر حفظ و یاد آوری اطلاعات تمرکز دارند و به توانایی و حل مسئله دانش آموزان توجهی ندارند. فقدان مهارت های گفت و گو و بحث: تعاملات دانش آموزان محدود به ارائه پاسخ های از پیش تعیین شده است. فقدان خلاقیت و نو آوری: فرصت کافی برای خلاقیت و نو آوری به کودکان داده نمی شود. با توجه به اهمیت فلسفه برای کودکان، پژوهش حاضر بدنبال پاسخگویی به تحلیل نقش فلسفه برای کودکان: برگرفته از داستانهای کشف هری استاتلمایر و پیکسی ماتیو لیپمن می باشد.

مبانی تحقیق

اگر تعبیر از فلسفه، پرسشگری، استدلال، شناخت ماهیت، جست و جوی حقیقت و تلاش برای یافتن پاسخ به سوالات معما گونه باشد می توان گفت که سوالات کودکان رنگ و بوی فلسفه گرفته است. کنجکاوی کودکان برای کشف حقیقت دنیای اطرافشان بارز ترین نمونه اندیشیدن فلسفی کودکان را نمایانگر می کند که با اندیشیدن به سوالات به ظاهر کودکانه آنها می توان ردپای فلسفه را در افکار آنها مشاهده کرد (عظمت مدار، ۱۳۹۷: ۱۰۰). به نظر لیپمن فلسفه فقط مختص بزرگسالان نیست و کودکان هم می توانند در آن سهیم باشند (هاشم آبادی، ۱۳۹۳: ۶۲). به طور کلی می توان گفت سوالاتی که کودکان درباره خود، خداوند و جهان و مسائل از این قبیل می پرسند، پرسش های فلسفی هستند که با بهره گیری از نظرات لیپمن درباره فلسفه برای کودکان می توان آنها را هدایت کرد و کودکانی متفکر بار آورد. تفکر نقاد به کودک کمک می کند، درست و غلط را تمیز دهد، کودک می آموزد چگونه بیندیشد، استدلال کند و دلیل بخواهد و تحت تاثیر تفکر دیگران قرار نگیرد. این روند حیج نیست که یک سلسله داده هایی را به کودکان ارائه داد و از آنها خواست تا همان را پس دهند. فلسفه در معنای فلسفه ورزی و پرسیدن سوالات اساسی درباره ماهیت چیز ها می تواند به کودکان کمک کند تا ابعاد مختلف زندگی خود را ارزیابی

و داوری کنند (پورقربان، ۱۴۰۳). از نظر لیپمن فلسفه فرایندی از آموزش است که طی آن ذهن کودک به کوشش و داشته شده و مشتاقانه در جهت پاسخ گویی به یک نیاز و حل یک مسئله برانگیخته می شود. در تعریف لیپمن، فلسفه برای کودکان دارای عناصر اساسی شامل: روش، کوشش ذهنی فعال، اشتیاق و انگیزه و پاسخ گویی است (ستاری، ۱۳۹۱: ۱۲۹). لیپمن و همکارانش معتقدند که تفکر فلسفی صرفاً به معنی تفکر و استدلال نیست بلکه مستلزم «تفکر درباره تفکر»^۳ است. لذا می توان نقطه آغاز تفکر کودکان را توجه به بعد پرسشگری، درگیر شدن ذهن با پرسشهای فلسفی و گفتگو درباره مباحث فلسفی دانست (اسکندری، ۱۳۸۶: ۳). برنامه فلسفه برای کودکان با ایجاد فرصت کاوشگری علاوه بر پرورش قدرت تفکر، منجر به تفکر مشارکتی، احساس کفایت در تفکر مشارکتی، احساس کفایت در تولید و پرورش ایده ها و مسئولیت پذیری می شود (قبادیان، ۱۳۹۴: ۱۴۰).

مبانی نظری

فلسفه برای کودکان، که توسط متیو لیپمن پیشگام شده است، در دهه ۱۹۷۰ به عنوان یک برنامه آموزشی ظهور کرد که بر ایده ارتباط مفاهیم فلسفه و کودک دلالت دارد. بعد از دهه ۱۹۷۰، علاقه فزاینده‌ای به تفکر انتقادی وجود داشته و استدلال می شود که آموزش و پرورش باید اصلاح و بازسازی شود. خط استدلال‌های لیپمن نشان‌دهنده روشی از تفکر انتقادی است که به شدت تحت تأثیر فلسفه عمل‌گرایانه جان دیویی^۴ قرار دارد. کمابیش همزمان با لیپمن، گرت متیوز^۵ گفتگوهای فلسفی خود را معرفی می‌کند. متیوز با گفتگوهای خود بر لزوم بازاندیشی کودک، نه به عنوان موجودی نادان، بلکه به عنوان عاملی منطقی که توانایی استدلال فلسفی دارد، تأکید می‌کند. ایده گنجاندن فلسفه در برنامه درسی، به راه حلی برای پرداختن به اهمیت اصلاحات آموزشی قابل توجه تبدیل شده است. لیپمن رمان فلسفی «کشف هری استاتلمایر»^۶ را توسعه داده و با رمان خود تلاش می‌کند ابزاری آموزشی ارائه دهد که به عنوان الگویی برای تفکر انتقادی عمل کند و توسط کودکان واقعی تقلید شود. لیپمن این ایده را از دیویی می‌گیرد که هیچ تمایزی بین ذهن و دنیای بیرونی و در نتیجه آن، بین حقیقت فلسفی و حقیقت علمی وجود ندارد. هدف P4C برای لیپمن «تبدیل کودکان به فیلسوفان یا تصمیم‌گیرندگان نیست، بلکه کمک به آنها برای تبدیل شدن به افرادی متفکرت‌تر، تأمل‌برانگیزتر، با ملاحظه‌تر و منطقی‌تر است. کودکانی که به آنها کمک شده است تا عاقل‌تر شوند، نه تنها درک بهتری از زمان عمل دارند، بلکه درک بهتری از زمان عمل نکردن نیز دارند (وانزیلگم، ۲۰۱۱: ۲۰۱۱). لیپمن با تأکید بر اندیشه‌های پیرس و دیویی، مفهوم اجتماع پژوهشی^۷ را به عنوان یکی از شیوه اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در برنامه درسی مدارس آمریکا گنجانده. وی در ابتدا با نقل یک داستان به عنوان محرک، کلاس درس را به صورت یک اجتماع پژوهشی تغییر داده است. این تغییرات شامل مشارکت دانش آموزان در بحث، دگرگونی روابط مبتنی بر تعامل، گفتگو و همکاری میان دانش آموزان و معلمان است (حسینی، ۱۴۰۱: ۸۴). لیپمن با پیروی از نظریات دیویی و با طراحی اجتماع پژوهشی تلاش نمود تا به تقویت طبیعت اجتماعی کودکان از طریق تعامل اجتماعی یاری رساند. همچنین بر اساس دیدگاه ویگوتسکی نیز معتقد است که کودکان از راه گفتگو به رشد زبانی یکدیگر کمک می‌کنند (ستاری، ۱۳۹۱). اجتماع پژوهشی، مدلی از گفتمان می باشد که فرصت بحث مشترک در مورد موضوعات مختلف را به همراه دارد (لیپمن، ۲۰۱۲). از نظر لیپمن، اجتماع پژوهشی بستری را برای کسب تجربه ی اجتماعی کودکان فراهم می آورد که توسط تفکر انتقادی و یادگیری عمیق

^۳ - Thinking about thinking

^۴ - John Dewey

^۵ - Gareth Matthews

^۶ - Harry Stottlemeyer's discovery

^۷ - Vansieleghem

^۸ - Research community

می تواند به نتایج آموزشی بهتر ختم شود. اجتماع پژوهشی در واقع شکلی از آموزش است که یادگیری را به صورت یک فرایند گفت و گوی گروهی و دموکراتیک در نظر می گیرد و بر تفکر برای خویشتن و با دیگران تاکید دارد (قائدی، ۱۳۹۴).

داستان های فلسفی

لیپمن در طرح چند صفحه ای خود برای تشکیل یک حلقه کندوکاو فلسفی، نخستین اصل برای تشکیل چنین حلقه ای را تهیه و ارائه یک متن فلسفی می داند. آنچه که از تاکید لیپمن بر متن، در برقراری روش کندوکاو فلسفی برمی آید این است که روش فلسفی او کاملاً وابسته به محتوای غنی فلسفی است، و متون فلسفی این برنامه هم از نظر فرم و هم محتوا دارای کفایت فلسفی می باشد.

الگویی از حلقه کندوکاو، بازسازی ارتباطات انسانی در قالب روابط منطقی، و انعکاس روابط منطقی، فرم فلسفی داستانها را نشان می دهند و مواردی مثل انعکاس ارزش ها و پیشرفت های فلسفی نسل های گذشته، انتقال فرهنگ، و کشف معنای زندگی نشاندهنده محتوای فلسفی متون برنامه فیک می باشند. داستانهای برنامه فیک، مهمترین اصل فلسفی اندیشیدن که همانا گفتگو و دیالوگ است را مدنظر قرار داده و به بازسازی صحنه های دیالوگ فلسفی در قالب داستان می پردازد (هدایتی، ۱۳۹۴). به اعتقاد لیپمن، آموزش ها در دوران کودکی نمی تواند به پرورش کودکان نقاد و خلاق بیانجامد. در نتیجه، نمی توانند به مهارتهای اساسی زندگی دست یابند (امی، ۱۳۸۴). وی داستانهای فلسفی را به دلیل تحقق پرورش تفکر فلسفی، تخیلی بودن موقعیت داستان، وجود دیالوگهای پرانرژی، وجود شخصیتهای سرزنده و سبک زنده، پویایی، طنز و همذاتپنداری، جایگزین کتابهای درسی مدارس کرده است (لیپمن، ۲۰۱۷). این داستانها هم الگوی تفکر فلسفی برای کودکان هستند و هم توسط آن، تفکر خود را تغییر می دهند (شکرالله زاده، ۱۴۰۰). کتاب داستان پیکسی^۱ یکی از رمانهای فلسفی است که بر موضوع زبان و معنا و طبقه بندی ایی که از دغدغه های خاص کودکان مخصوصاً در این سنین است، متمرکز است. لیپمن این کتاب را با هدف اصلی آموزش مهارت تفکر به کودکان ابداع کرد. کتاب داستان پیکسی در تلاش برای ایجاد مهارتهای بنیادین در کودک از جمله: گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن از طریق تقویت قدرت استدلال و داوری می باشد (قائدی، ۱۳۸۸). در این کتاب ابعاد فلسفی مختلفی در زمینه خواندن وجود دارد از جمله: فلسفه ورزی، نقش مکالمه در خواندن و نوشتن، خواندن به عنوان استدلال، خوانش انتقادی و برای نوشتن عبارتند از: رابطه هنر با تجربه، معنی، روابط زیبایی شناسانه، توجه، ترجیحات و درستی ها (احمدی، ۱۴۰۱). لیپمن داستان های فلسفی را دارای معانی و مضامین خاصی می داند که بحث برانگیز و چالش ساز باشد، در حقیقت، معانی ضمنی نهفته در هر داستان که اغلب در میان شخصیت های داستانی نیز به بحث گذاشته میشود، همان سوالات و ابهامات ذهن فیلسوفان و متفکران است که از طریق تمرینهای مربوط به هر داستان این مفاهیم م و معانی مورد توجه قرار می گیرد. در حقیقت این رسالت متن فلسفی است که کندوکاو را در میان کودکان در فضاهای آموزشی تحریک کند. بدون شک هر متنی که بتواند توانایی مهارتهای فکری را بهبود ببخشد، میتواند به درک بهتر مفاهیم فلسفی نیز کمک کند. لیپمن تلاش کرده تا کارکردهای ذهنی^۲ که مورد تاکید ویگوتسکی بوده، در داستانهایش به کار ببرد. بنابراین روش داستانی، به رشد و تکامل رویکرد منطقی یا انتقادی در دانش آموزان می پردازد. بدین ترتیب داستانها در برنامه فیک، بستری را برای جابجایی از کارکردهای سطح پایین ذهن به کارکردهای عالی ذهن فراهم می آورند. از نظر لیپمن، داستانها باید حاوی سه خصوصیت اصلی باشند: غنای فکری و فلسفی^۳، غنای ادبی و روانشناختی. لذا داستانها باید به گونه

^۹ - در هم آمیختگی منطق، خلاقیت و دیالوگ مداوم

^۱ - Pixie

^{۱۱} - ویگوتسکی کارکردهای ذهنی را در غالب کارکردهای ابتدایی و عالی معرفی می کند

^{۱۲} - منظور از غنای فلسفی، چالش برانگیز بودن و سوال برانگیز بودن داستانها می باشد. کندوکاو همراه با گفتگو، تضمین کننده غنای فلسفی می باشد.

ایی تنظیم شوند که برانگیزاننده کندوکاو و مسائل فلسفی باشند. بنابراین یک داستان فلسفی باید درون مایه فلسفی داشته باشد و داستانهایی که بتوانند پرسش های کلی و باز را به کار ببرند، محتوای فلسفی لازم را برای کندوکاو در کودکان را به دنبال خواهند داشت (هدایتی، ۱۳۹۴). همچنین یک داستان باید منعکس کننده موضوعات مختلف فلسفی (جنبه های زیبایی شناختی، معرفت شناختی، انصاف و عدالت، انتقاد، استدلال و استنباط، قضاوت های اخلاقی و...) باشد. داستانها باید حاوی ویژگی هایی باشند که در بین همه ی کودکان در سن خاصی مشترک بوده و به تجربه های روزمره آنها نزدیک می باشد (شارپ، ۱۳۸۹). داستانها باید طوری طراحی و نوشته شوند که متضمن مباحث مربوط به شناخت خود و محیط اطراف کودکان باشد. کودکان با مطالعه این داستانها باید بیاموزند که چه چیزهایی در اختیار آنهاست و مسئولیت آن را دارند و چه چیزی خارج از کنترل آنهاست (لیپمن، ۱۳۹۴). داستانها باید به کودکان کمک کند تا به سوی کندوکاوهایی اخلاقی هدایت شده و به بازسازی ارزشهای اخلاقی پردازند. محتوای داستانهای فلسفی باید منعکس کننده مهارتهای تفکر نقادانه برای کودکان باشد (ناجی، ۱۳۹۴). کتاب داستانی کشف هری استاتلمایر نیز، که در آن لیپمن، ماجراجویی های یک پسر نوجوان به نام هری استاتلمایر را روایت می کند، از این دست داستانها می باشد. در این داستان هری با سوالات فلسفی و مفاهیم عمیق تری از زندگی روبرو می شود (ناجی، ۱۳۹۳). این کتاب، الگویی تعاملی داشته و تلاش می کند با پرهیز از شیوه های تحکمی و تلقینی، پرسش گری و استدلال را به کودکان آموزش دهد و آن ها را در مسیر یادگیری روش های متفاوت تفکر و تخیل تشویق کند. این کتاب داستانی و ارائه مطالب منظم آن در کلاس درس و تجربه های خود دانش آموزان میتواند باعث ایجاد بحث های فلسفی درباره مفاهیم و دغدغه های اخلاقی شود. کودکان در کتاب کشف هری به سهولت می توانند استنهاها را پیدا کنند و حتی می توانند اشکال هندسی را به خوبی تعریف کنند و بحث از منطق، به راحتی به بحث در رابطه با مسائل و پرسشهای عمیق فلسفی ختم می شود. هری و دوستانش چندین مفهوم وقاعده اساسی منطق ارسطویی را کشف کرده و درباره پرسشهایی راجع به سرشت اندیشه، ذهن، علیت، واقعیت، دانش و باور، درست و نادرست، و انصاف و بی عدالتی به تفکر می پردازند (پریچارد، ۱۴۰۳). پورقربان (۱۴۰۳) پژوهشی تحت عنوان «بررسی اهداف و ضرورت های آموزشی فلسفه به کودکان» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که کودکان از طریق فلسفه ورزی، ابعاد زندگی خود را تشخیص می دهند و گزینه های مختلفی را که با آنها مواجه اند، شناسایی می کنند. فلسفه برای کودکان برنامه ای برای افزایش مهارت تفکر نقاد در درک مسائل فلسفی است. پریچارد (۱۴۰۳) پژوهشی تحت عنوان «فلسفه برای کودکان» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که محور اصلی در فلسفه برای کودکان این است که باید باور های کلیشه ای مربوط به ظرفیت محدود کودکان را به چالش کشید و درک خود را از ماهیت فلسفه و اینکه چه کسی قادر به مشارکت در آن است گسترش داد. هدف، رشد ذهنی کودکان است، موضوعاتی که کودکان دوست دارند درباره اش فکر کنند و به بحث و تامل پردازند. میرزائی (۱۴۰۳) پژوهشی تحت عنوان «فرا تحلیل اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت های شناختی دانش آموزان» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش فلسفه بر انعطاف پذیری شناختی، بیشترین مقدار را دارا بود. نتایج پژوهش بیانگر اثر بخشی مثبت آموزش فلسفه به کودکان در پرورش مهارت تفکر انتقادی آنان می باشد. فرمیانی (۱۴۰۲) پژوهشی تحت عنوان «بررسی روش های آموزش فلسفه به نوجوانان (با تاکید بر سه رویکرد مختلف در این زمینه)» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که هر سه رویکرد از روش های داستان های فلسفی، کاوش اجتماعی، حلقه های کندوکاو، پرسش و پاسخ استفاده می کنند و تفاوت آنها به ویژه در رویکرد اول از داستان فلسفی برای شروع بحث استفاده می شود ولی در رویکرد دوم از پرسش فلسفی به عنوان سر آغاز استفاده می شود. آزادی (۱۴۰۱) پژوهشی تحت عنوان «مبانی فلسفی، فلسفه برای کودکان (فبک) از نظر لیپمن: هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که فلسفه ورزی باید از دوران کودکی پرورش یابد و معرفت مورد نظر فبک همان باور صادق موجه است که با افزایش تعامل کودک با جهان به وسیله تجربه و تعقل در بستر اجتماع، تکامل می یابد. شیبانی رضوانی (۱۴۰۱) پژوهشی تحت عنوان «تصویر گری به مثابه ی ابزار

آموزش فلسفه به کودکان : تحلیل تصویر نوشتار در سه اثر از شل سیلور استاین وولف ارلبروش» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش فلسفی از طریق کتاب های تصویری، امکان رشد قوای شناختی کودکان را فراهم می آورد و کمک می کند آنها مطابق با نیاز های جامعه ای که در آن زندگی می کنند فکر و عمل کنند. حسینی(۱۴۰۱) پژوهشی تحت عنوان «تبیین و نقد رویکرد لیپمن در برنامه فلسفه برای کودکان از منظر پرسش گری وجودی» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که در نتیجه نادیده گرفتن سوالات وجودی کودکان، برنامه درسی فلسفه برای کودکان با دو آرمان اصلی این رویکرد یعنی ایجاد فضایی امن برای پرسش گری آزاد کودکان و همچنین مراقبت عاطفی از آنان در تضاد است. قدیری بید هندی(۱۴۰۱) پژوهشی تحت عنوان «اثر بخشی آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۱۲ تا ۹ سال» انجام داده است. نتایج پژوهش نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان بر مسئولیت پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان تاثیر معنادار دارد و آموزش فلسفه با بهره گیری از گفتگوی عمیق و ایجاد توانمندی درونی در کودک می تواند به عنوان روشی مناسب برای بهبود مسئولیت پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان مورد استفاده قرار گیرد.

روش تحقیق

هدف از این پژوهش تحلیل نقش فلسفه برای کودکان: برگرفته از داستانهای کشف هری استاتلمایر و پیکسی لیپمن می باشد. در این پژوهش از روش کیفی و تحلیل تماتیک استفاده شده و ابزار گردآوری اطلاعات و داده های پژوهش از طریق بررسی مطالعه منابع کتابخانه ای (کتابهای: کشف هری استولتمیر، پیکسی) می باشد.

یافته ها

آموزش فلسفه به کودکان این امکان را به آنها می دهد تا تفکرات خود را مورد تأمل قرار داده و با همسالان خویش به کندوکاو پیرامون سؤالهای فلسفی پرداخته و با میراث عقلی خویش آشنا شوند. لیپمن اولین نفری نبود که به تفکر فلسفی پرداخته، بلکه تفکر فلسفی از یونان باستان نشأت گرفته که همان گفتگو و استدلال سقراطی است. هدف از فلسفه برای کودکان این است که کودکان بیاموزند خودشان فکر کنند و آگاهانه انتخاب کنند. این برنامه همچنین به دنبال بهبود توانایی های استدلال و قضاوت کودکان از طریق واداشتن آنها به تفکر در مورد تفکر است. تمرین منظم فلسفه به کودکان کمک می کند تا دانش آموزان بتوانند با هم فکر کنند و درک خود را گسترش دهند. این برنامه علاوه بر پرورش قدرت تفکر، به احساس کفایت و مسئولیت پذیری کودکان منجر شده و از تحقیر آنها باز می دارد. همچنین سبب ارتقاء سطح مهارت های اجتماعی و رشد شناختی، رشد اخلاقی، افزایش تعامل بین همسالان و کاهش رفتار های غیر اجتماعی می شود (یاربلی، ۱۴۰۰). فلسفه برای کودکان علاوه بر اینکه مهارت های فکری دانش آموزان را افزایش می دهد آنها را قادر می سازد که به معنا و علت وجودی خود پی برده، کودکان را به پرسشگری درباره دنیایی که زندگی می کنند ترغیب کرده و باعث عادت ذهنی آنها می شود (احمدی، ۱۴۰۱: ۱۲۰). لیپمن معتقد است که آموزش فلسفه به کودکان باعث تشویق کودکان می شود تا به پرسش، تفکر، استدلال و پیوند دادن مفاهیم انتزاعی فلسفی به تجربیات ملموس برسند. در فلسفه اینگونه نیست که پاسخ درست یا غلط وجود نداشته باشد بلکه فرصت های کاوش در اندیشه ها و مفاهیم به گونه ای است که هم برای کودکان و حتی معلمان آزادی فراهم می شود. لیپمن معتقد است برنامه فلسفه برای کودکان رویکردی تربیتی است که بر مهارت خواندن، نوشتن، سخن گفتن و گوش کردن تاکید دارد. در برنامه فلسفه برای کودکان محرک اصلی فلسفه ورزی، سوال هایی است که کودکان می پرسند و توسط معلم هدایت می شود (حسینی، ۱۴۰۱: ۹۰). کودکان خودشان فکر کنند ولی همزمان ترغیب می شوند که با دیگران هم همفکری کنند (شوشتري، ۱۳۹۲: ۱۸). همچنین این توانایی را به آنها می دهد تا پرسش کنند

و امکان تفکر مستقل را ایجاد می کند و از فعالیت های اجتماعی و بیرونی به فعالیت های فردی و درونی برسند (آزادی، ۱۴۰۱: ۶۹). لیپمن داستانهای فلسفی را به دلیل تحقق پرورش تفکر فلسفی، تخیلی بودن موقعیت داستان، وجود دیالوگهای پراثری، وجود شخصیتهای سرزنده و سبک زنده، پویایی، طنز و همذاتپنداری، جایگزین کتابهای درسی مدارس کرده است (لیپمن، ۲۰۱۷). پیکسی یکی از رمانهای فلسفی است که بر موضوع زبان و معنا و طبقه بندی ایی که از دغدغه های خاص کودکان مخصوصاً در این سنین است، متمرکز است. لیپمن این کتاب را با هدف اصلی آموزش مهارت تفکر به کودکان ابداع کرد. کتاب داستان پیکسی در تلاش برای ایجاد مهارتهای بنیادین در کودک از جمله: گوش دادن، سخن گفتن، خواندن و نوشتن از طریق تقویت قدرت استدلال و داوری می باشد (قائدی، ۱۳۸۸). در این کتاب ابعاد فلسفی مختلفی در زمینه خواندن وجود دارد از جمله: فلسفه ورزشی، نقش مکالمه در خواندن و نوشتن، خواندن به عنوان استدلال، خوانش انتقادی و برای نوشتن عبارتند از: رابطه هنر با تجربه، معنی، روابط زیبایی شناسانه، توجه، تجربه، ترجیحات و درستی ها (احمدی، ۱۴۰۱). کتاب داستانی کشف هری استاتلمایر نیز، که در آن لیپمن، ماجراجویی های یک پسر نوجوان به نام هری استاتلمایر را روایت می کند، این است که هری با سوالات فلسفی و مفاهیم عمیق تری از زندگی روبرو میشود (ناجی، ۱۳۹۳). این کتاب، الگویی تعاملی داشته و تلاش می کند با پرهیز از شیوه های تحکمی و تلقینی، پرسش گری و استدلال را به کودکان آموزش دهد و آن ها را در مسیر یادگیری روش های متفاوت تفکر و تخیل تشویق کند. این کتاب داستانی و ارائه مطالب منظم آن در کلاس درس و تجربه های خود دانش آموزان میتواند باعث ایجاد بحث های فلسفی درباره مفاهیم و دغدغه های اخلاقی شود. کودکان در کتاب کشف هری به سهولت می توانند استنهاها را پیدا کنند و حتی می توانند اشکال هندسی را به خوبی تعریف کنند و بحث از منطق، به راحتی به بحث در رابطه با مسائل و پرسشهای عمیق فلسفی ختم می شود. هری و دوستانش چندین مفهوم و قاعده اساسی منطق ارسطویی را کشف کرده و درباره پرسشهایی راجع به سرشت اندیشه، ذهن، علیت، واقعیت، دانش و باور، درست و نادرست، و انصاف و بی عدالتی به تفکرمی پردازند (پریچارد، ۱۴۰۳).

بحث و نتیجه گیری

برنامه فلسفه برای کودکان، این امکان را برای کودکان ایجاد می کند که در زمینه کاوشگری، فرصت هایی را برای چگونگی کار با ذهنهای مختلف فراهم کنند تا روح پرسشگری، تحقیق، تتبع و واکاوی آنها از طریق کاوشگری تقویت شود. به اعتقاد لیپمن، دانش فلسفی به لطف ابزارهای تفکر انتقادی، یعنی مهارتهایی مانند پرسشگری، استدلال شفاهی و تحلیل آن، آزمون فرضیه، تعریف مفاهیم، تحلیل احتمال و حل مسئله، شکل می گیرد. لیپمن با نگارش رمان های فلسفی کشف هری استاتلمایر و پیکسی برای دانش آموزان، اصول تفکر منطقی را تشریح نموده که سبب افزایش توانایی گروه کنترل در قضاوت های منطقی می شود. کلاس های فلسفه برای کودکان با ساختار اجتماع پژوهشی در ارائه داستانهای فلسفی، زمینه را برای گشودگی به گفتگو را فراهم کرده و برابری فرصت و مشارکت و شفافیت فرآیند را فراهم می کند. علاوه بر این، احساس مشارکت مداوم در فرآیند را ایجاد کرده و حتی اگر شرکت کننده بیشتر شنونده فعال باشد، این امر بر شکل گیری گوش دادن فعال، احترام، خویش شدن داری و خویش شدن داری تأثیر می گذارد. علاوه بر ارتباط کلامی، ارائه این داستانها در قالب اجتماع پژوهشی، راه را برای سایر کانال های ارتباطی از طریق حالات چهره، حرکات، وضعیت بدن و انرژی باز می کند. خواندن این داستانها، همه شرکت کنندگان را به خودآموزی و می دارد، مهارت گوش دادن فعال، توجه، اعتماد به نفس، تفکر دلسوزانه و حتی خودشناسی را در آنها پرورش می دهد. این برنامه از این جهت برجسته است که سه نوع تفکر را پرورش می دهد: انتقادی، خلاقانه و دلسوزانه. تدوین و طرح سوال توسط این داستانها و تجربه مسئولیت پذیری در قبال انتخاب خود، کودک را برای زندگی در جامعه ای که چنین موقعیتهایی در آن رخ می دهد آماده می کند تا بتواند با آنها کنار بیاید و انعطاف پذیری نشان

دهد. این داستانها به شکل‌گیری یک ویژگی مهم تفکر فلسفی، که همان توانایی تدوین مفاهیم و تصورات، اصول انجام گفتگو، قضاوت‌های منطقی، عدم انتقاد و احترام به نظرات دیگران است، کمک می‌کند.

جدول ۱- نتایج نقش فلسفی داستانهای کشف هری استاتلمایر و پیکسی

نتایج اخلاقی	مشارکت دادن کودکان در تحقیق در مورد مسئله نقش ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی در رفتار انسان
نتایج زیبایی‌شناختی	مشارکت دادن کودکان در مطالعه مسائل مشکل‌سازی که شامل رابطه بین خلاقیت هنری، درک زیبایی‌شناختی و نقد زیبایی‌شناختی می‌شود
نتایج متافیزیکی	تشویق کودکان به دستیابی به کلیت بیشتر در درک خود از جهان و نحوه عملکرد آن
نتایج منطقی	تشویق کودکان به تأمل در مورد قوانین تحقیق و هر اصولی که هنگام تفکر در مورد تفکر به آن روی می‌آورند
نتایج معرفت‌شناختی	کودکان به دنبال پاسخ به سؤالاتی مانند «چه چیزی برای حقیقت مهم است؟» و «رابطه بین حقیقت و معنا چیست؟»

منابع

- آزادی، علی، امید، مسعود (۱۴۰۱). مبانی فلسفی فلسفه برای کودکان (فبک) از نظر لیپمن: هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی، شماره ۳۹.
- احمدی، رئوف، قائد، یحیی، ضرغامی، سعید، محمودنیا، علیرضا (۱۴۰۳). تاملی بر ابعاد فلسفی خواندن و نوشتن در برنامه فلسفه برای کودکان با تأکید بر رمان‌های سوکی و پیکسی و کتاب راهنمای آنها، فلنامه تفکر و کودک، دوره سیزدهم، شماره ۱.
- اسکندری، حسین، کیانی، ژاله (۱۳۸۶). تاثیر داستانها بر افزایش مهارت فلسفه ورزی و پرسش‌گری دانش‌آموزان، فصلنامه مطالعات برنامه ریزی، سال دوم، شماره ۷.
- امی، زهرا، فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۴). مقایسه سبکهای لیپمن و برنی فیر در فلسفه برای کودکان، فصلنامه اندیشه نوین دینی، شماره ۲.
- بریچارد، مایکل، فرهمندفر، مسعود (۱۴۰۳). فلسفه برای کودکان، فصلنامه الهیات، سال ششم، شماره ۱۰.
- پورقربان، فرزانه، حسنلوئی، رقیه، حسین لو، سهیلا، تقی نژاد تیمور آبادی، صونا، تقی نژاد تیمور آبادی، رعنا (۱۴۰۳). بررسی اهداف و ضرورت‌های آموزش فلسفه به کودکان، فصلنامه رویکرد فلسفه در مدارس و سازمان‌ها، سال سوم، شماره ۱.
- چراغ زاده، مینا، کرد نوقابی، رسول، سهرابی، زهرا (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر احساس تنهایی و ناامیدی دانش‌آموزان، فصلنامه تفکر و کودک، سال دهم، شماره ۱.
- حسینی، سید حسام، حسینی، سیده نسرین (۱۴۰۱). تبیین و نقد رویکرد لیپمن در برنامه فلسفه برای کودکان از منظر پرسشگری وجودی، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی، سال شانزدهم، شماره ۳۹.
- ستاری، علی (۱۳۹۱). بررسی مفهوم و نقش فلسفه در «فلسفه برای کودکان» با توجه به روش متیو لیپمن، فصلنامه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، سال چهاردهم، شماره ۱.

- شارپ، آن مارگارت (۱۳۸۹). داستانهای فلسفی و کتابهای p4c در کندوکاو فلسفی برای کودکان و نوجوانان، به اهتمام سعید ناجی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شکراله زاده، سودابه (۱۴۰۰). گام نخست در ورود به نظریه ی رمان فلسفی در برنامه فلسفه برای کودکان: بررسی انتقادی دیدگاه های پیشگامان و اندیشمندان فبک به رمان فلسفی، فصلنامه مطالعات ادبیات کودک، سال دوازدهم، شماره ۱.
- شیبانی رضوانی، فیروزه، بختیاران، مریم (۱۴۰۱). تصویر گری به مثابه ی ابزار آموزش فلسفه به کودکان: تحلیل تصویر نوشتار در سه اثر از شل سیلور استاین و ولف ارلبروش، فصلنامه پژوهش های فلسفی دوره شانزدهم، شماره ۳۹.
- شوشتری، اکرم، صفایی مقدم، مسعود، مرعشی، منصور (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی آراء تربیتی ژان پیازه و متیو لیپمن با تاکید بر برنامه آموزش فلسفه برای کودکان، فصلنامه پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، دانشگاه فردوسی مشهد، سال سوم، شماره ۱.
- عظمت مدارفرد، فاطمه، بختیار نصرآبادی، حسن علی، حیدری، محمد حسین، قائدی، یحیی (۱۳۹۷). بررسی ظرفیت سه داستان از رساله دلگشای عبید زاکانی براساس مولفه های تفکر فلسفی لیپمن، فصلنامه مطالعات ادبیات کودک سال ۹، شماره ۲.
- فرمیهنی فراهانی، فرناز، فتحی جهانشاهی، خدیجه (۱۴۰۲). بررسی روش های آموزش فلسفه به نوجوانان با تاکید بر سه رویکرد مختلف در این زمینه، فصلنامه علمی پژوهش های آموزش و یادگیری دوره دوم، شماره ۲.
- فیشر، رابرت (۱۳۸۵). آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان، اهواز: ریش.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۸). برنامه درسی آموزش فلسفه به کودکان در دوره راهنمایی و متوسطه. فصلنامه فرهنگ، سال بیست و دوم، شماره ۱.
- قدیری بید هندی، زینت، میرزمانی بافقی، سید محمود (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر مسولیت پذیری اجتماعی و هوش اخلاقی کودکان ۹ تا ۱۲ سال، فصلنامه پژوهش های کاربردی روانشناختی، سال پانزدهم، شماره ۴.
- لیپمن، متیو و آن مارگارت، شارپ (۱۳۹۴). کندوکاو اخلاقی (غایب بزرگ فلسفه)، ترجمه روح الله کریمی، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مرعشی، منصور، قائدی، یحیی (۱۳۹۴). مبانی و کارکردهای حلقه کندوکاو. انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرزایی، لیلا، گلی زاده، زهرا، صمدی، زهرا (۱۴۰۳). فرا تحلیل اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر مهارت های شناختی دانش آموزان. دوفصلنامه تفکر و کودک، دوره: پانزدهم، شماره: ۱.
- ناجی، سعید، مرعشی، منصور (۱۳۹۴). کفایت فلسفی در داستانهای فلسفه برای کودکان و نوجوانان، فصلنامه تفکر و کودک، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره ۱.
- یاربقلی، بهبود، حلیمی شبستری، مریم، بهاری، پروین (۱۴۰۰). اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر کیفیت تعامل بین معلمان و دانش آموزان دختر متوسطه اول، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات آموزشی و آموزشگاهی، دوره سیزدهم، شماره ۱.
- Lipman, M. (2017). Brave old subject, brave new world". In S. Naji; & R. Hashim (Eds.). History, Theory and Practice of Philosophy for Children: International Perspectives (pp 12-17). London: Routledge.
- Lipman, Dewey, and the Community of Philosophical Inquiry David Kennedy. E&C/Education & Culture 2012; 28 (2): 36-53.
- Vansieleghem N.(2011). What Is Philosophy for Children, What Is Philosophy with Children—After Matthew Lipman? Journal of Philosophy of Education 45(2) DOI:10.1111/j.1467-9752.2011.00801.x